

معرفی و نقد کتاب

«روش‌شناسی در مطالعات سیاسی اسلام»

علی‌اکبر علیخانی (تهران: دانشگاه امام صادق(ع)، ۱۳۸۶)، در ۶۹۵ ص

منصور میراحمدی*

مقدمه

چگونه می‌توان اندیشه سیاسی اسلام را فهم، توصیف و تبیین کرد؟ بی‌تردید، توصیف و تبیین اندیشه سیاسی اسلام، مستلزم فهم آن است. فهم اندیشه سیاسی اسلام در مرحله نخست و توصیف و تبیین آن در مرحله دوم، نیازمند به کارگیری «روش» و استخدام آموزه‌های روش‌شناختی است. هم‌ورود به اندیشه و فهم آن الگوی روشی خاصی می‌طلبد و هم گزارش و تبیین مؤلفه‌های آن مستلزم روش متناسب است.

«روش‌شناسی در مطالعات سیاسی اسلام»^۱ یکی از نخستین آثاری است که با هدف و دغدغه اصلی «تبیین، طراحی و تدوین روشهایی در مطالعات سیاسی اسلام» در گروه اندیشه سیاسی اسلام مرکز تحقیقات دانشگاه امام صادق(ع) تهیه و به همت معاونت پژوهشی دانشگاه امام صادق(ع) در سال جاری به زیور طبع آراسته گردیده است. این اثر که حاصل تلاش علمی استادان و نویسندگان متعددی با مدیریت علمی جناب آقای دکتر علی‌اکبر علیخانی است، در راستای هدف مذکور به «بررسی، فهم و

* استادیار دانشکده علوم اقتصادی و سیاسی دانشگاه شهید بهشتی

آسیب‌شناسی روشهای موجود در مطالعات سیاسی اسلامی» و در نهایت «نسبت‌سنجی آنها با مباحث روش‌شناختی غرب» می‌پردازد.

گرچه در سالهای اخیر شاهد آثار متعدد و ارزنده‌ای در حوزه روش‌شناسی اندیشه و مطالعات سیاسی به معنای عام هستیم، انتشار این اثر در حوزه روش‌شناسی مطالعات سیاسی اسلام، نویدبخش ورود جدی نویسندگان، صاحب‌نظران و محافل علمی است. بی‌تردید، این اثر می‌تواند بخش فراوانی از خلأ پژوهشی ملموس در حوزه روش‌شناسی اندیشه و مطالعات سیاسی اسلام را پر کند و طلیعه آثار جدی‌تر در این زمینه قرار گیرد. با وجود این، به نظر می‌رسد از آغاز این اقدام میمون و ارزشمند نیازمند بررسی دقیق و شناخت نقاط قوت و ضعف آن به منظور تأکید بر نقاط قوت و پرهیز از نقاط ضعف در آثار بعدی از این دست است. گزارش مختصر حاضر، با چنین هدفی ارائه می‌شود. از این رو، در ادامه ابتدا گزارشی مختصر از آن ارائه می‌شود؛ سپس ملاحظاتی چند در راستای نمایاندن نقاط قوت و ضعف آن تقدیم می‌گردد.

۱. معرفی و گزارش

«روش‌شناسی در مطالعات سیاسی اسلام» مجموعه‌ای از بیست مقاله علمی است که در یک مقدمه و چهار بخش تنظیم شده است. هر بخش از کتاب دربرگیرنده یک درآمد و چند مقاله است. درآمد هر بخش به معرفی کلی و اجمالی مقالات و در برخی موارد همراه با نگاهی انتقادی، اختصاص یافته است.

بخش اول با عنوان «تدوین روش برای مطالعات سیاسی اسلام»، که مهم‌ترین بخش کتاب تلقی می‌شود، در صدد تبیین، طراحی و تدوین روشهایی برای مطالعات سیاسی اسلام است. این بخش از شش مقاله تشکیل شده است؛ مقاله نخست، «شاخصهای روش‌شناختی تفکیک مطالعات سیاسی اسلام»^۲ با ارائه شاخصهایی تلاش می‌کند مرز حوزه‌های مختلف مطالعات سیاسی اسلام را از قبیل اندیشه سیاسی، فقه سیاسی، کلام سیاسی و فلسفه سیاسی اسلام توضیح دهد. در مقاله دوم، «شناخت دینی؛ بهره‌های روش‌شناسانه قرآن کریم در حوزه علم»^۳ نویسنده به بررسی رابطه دین و علم به عنوان دو منبع شناخت می‌پردازد و تلاش می‌کند الگوی معرفت‌شناختی دینی را با

تکیه بر اصول اعتقادی و آیات الهی توضیح دهد. مقاله سوم با عنوان «مفهوم سعادت؛ کلید متدولوژیک فهم اندیشه‌های سیاسی اسلامی»^۴ با اعتقاد به اینکه مفهوم سعادت اساسی‌ترین مفهوم در ادیان و به ویژه اسلام است و در نتیجه بدون فهم درست آن نمی‌توان اندیشه سیاسی اسلامی را فهمید، به تبیین آرای اندیشمندان سیاسی در باره آن می‌پردازد. در مقاله چهارم، «تأمل روش‌شناختی در پژوهشهای فلسفه و اندیشه سیاسی اسلام»^۵ با اعتقاد به میان‌رشته‌ای بودن مطالعات سیاسی اسلامی، تلاش می‌کند الگوی روشی مناسبی را برای این دسته از مطالعات ارائه کند. مقاله پنجم «روش‌شناسی فهم مسئله آزادی در اندیشه سیاسی مسلمانان»^۶ با تمرکز بر بحث آزادی، از منظر روشی دیدگاه و نوع بحث اندیشمندان سیاسی مسلمان را در باره آن بررسی می‌کند و در نهایت، در مقاله ششم، «سه نظریه به مثابه سه روش؛ مطالعه موردی اندیشه‌گران مدرن»^۷ نویسنده به بررسی رویکرد سه اندیشمند مسلمان در مطالعات دینی می‌پردازد که به اعتقاد وی می‌تواند به عنوان سه نظریه و در نهایت، سه روش مورد توجه قرار گیرند.

بخش دوم کتاب با عنوان «بررسی انتقادی روش در فلسفه و اندیشه سیاسی اسلام» با هدف بررسی، تبیین و نقد روشهای موجود در مطالعات سیاسی اسلام، به جز فقه سیاسی، نیز از شش مقاله تشکیل شده است: مقاله نخست، «روش‌شناسی فهم فلسفه سیاسی اسلامی»^۸ ضمن نقد روشهایی که نمی‌توانند به فهم فلسفه سیاسی اسلامی نائل شوند، به تبیین سه مسئله مفهوم‌شناسی، برداشت‌شناسی و تمایزشناسی پرداخته تلاش می‌کند روش درست فهم فلسفه سیاسی اسلامی را توضیح دهد. مقاله دوم با عنوان «روش و سیاست در فلسفه اسلامی»^۹ با تبیین دو رویکرد مونیسم و دوآلیسم روش‌شناختی، نحوه فهم سیاست را در هر یک از این دو رویکرد بررسی می‌کند. «نقد الگوهای خطی در پژوهش تاریخی اندیشه سیاسی اسلام»^{۱۰}، سومین مقاله این بخش است که به نقد الگوهای خطی و زنجیره‌گرا در مطالعات مربوط به تاریخ اندیشه سیاسی اسلام، از این طریق تلاش می‌کند الگویی برای چنین مطالعاتی ارائه کند. مقاله چهارم، «پژوهش و باور»^{۱۱}، با توجه به گزاره‌های دینی به سنجش دو گونه پژوهشهای وابسته‌باور و ناوابسته‌باور در تحقیقات دینی پرداخته است. در مقاله پنجم با

عنوان «موانع روش‌شناختی نوآوری در تحقیقات سیاسی اسلام»^{۱۲}، به تبیین چهار دسته از موانع روش‌شناختی مربوط به محقق، نظام آموزشی و معرفتی جهان اسلام، موانع ناشی از غرب و موانع سیاسی حکومتی در این زمینه می‌پردازد. در نهایت، آخرین مقاله این بخش، «آسیب‌شناسی روشی بومی شدن دانش؛ تجربه جهان عرب»^{۱۳}، با استفاده از تجربه جهان عرب و با تکیه بر دیدگاه‌های هشام شرابی، آسیب‌های روشی بومی شدن دانش را توضیح می‌دهد.

«بررسی انتقادی روش در فقه سیاسی» عنوان بخش سوم کتاب است که چهار مقاله را در خود جای داده است. نویسنده مقاله نخست با عنوان «روش‌شناسی در تحقیقات فقه سیاسی»^{۱۴}، پس از تعریف فقه سیاسی، با تبیین عرصه‌های نوآوری در فقه سیاسی به امکان این نوآوری می‌پردازد. مقاله دوم، «ویژگی‌ها و چالش‌های روش‌شناختی فقه سیاسی شیعه»^{۱۵} را با اشاره به موضوعات و محورهای مورد چالش دو گروه اصولیون و اخباریون بررسی می‌کند. در مقاله سوم با عنوان «ویژگی‌های معرفت‌شناختی فقه سیاسی شیعه و اهل سنت»^{۱۶}، بر اساس سه شاخص نص‌گرایی، سنت‌گرایی و عقل‌گرایی، ویژگی‌های معرفت‌شناختی فقه سیاسی شیعه و اهل سنت مقایسه شده است و در آخرین مقاله، «روش در فقه سیاسی؛ آسیب‌ها و بایستگی‌ها»^{۱۷}، آسیب‌های آموزشی، فرهنگی، فردی-شخصیتی و متنی - محتوایی به همراه راهکارهای برون‌رفت و کاهش آسیب‌ها بیان شده است.

بخش چهارم کتاب، به امکان، امتناع و چگونگی «کاربرد روش‌های غربی در مطالعات سیاسی اسلام» با چهار مقاله اختصاص یافته است. در مقاله نخست، امکان «کاربرد تحلیلی‌های گفتمانی در مطالعات سیاسی اسلامی»^{۱۸} در صورت تعدیل مبانی و ویژگی‌های نسبی‌گرایانه و ضد ذات‌گرایانه این تحلیل‌ها بررسی شده است. «جایگاه هرمنوتیک در پژوهش‌های سیاسی اسلامی»^{۱۹} عنوان دومین مقاله این بخش است که در آن نویسنده به نقد استفاده از برخی نحله‌های هرمنوتیک در اندیشه سیاسی اسلام پرداخته، بر امکان استفاده از برخی دیگر از این نحله استدلال کرده است. نویسنده مقاله سوم با عنوان «هرمنوتیک و مطالعات اسلامی»^{۲۰} نیز همچون مقاله دوم به تبیین امکان استفاده از برخی از نحله‌های هرمنوتیکی و عدم امکان استفاده از برخی دیگر در

مطالعات اسلامی با رویکردی متفاوت می‌پردازد و در آخرین مقاله، «هرمنوتیک، پولیتیک یا اجتهاد سیاسی»^{۲۱} با رویکردی دیگر امکان استفاده از هرمنوتیک به عنوان یک مبنا و روش فکری در فهم متقابل روابط انسانی و ایجاد زمینه‌های مفاهمه و فهم روابط انسانی حاکی بر سیاست استدلال می‌شود.

۲. نقد و بررسی

قبل از پرداختن به نقد و بررسی، اشاره به دو نکته لازم به نظر می‌رسد: نخست آنکه کتاب «روش‌شناسی در مطالعات سیاسی اسلام» از فضل تقدم در این حوزه پژوهشی برخوردار است؛ این امر، ضمن آنکه نکته‌ای مثبت به نظر می‌رسد، از سوی دیگر، ممکن است برخی از کاستیها را با خود همراه آورد که معمولاً در آثار اولیه یافت می‌شوند. از این رو، در نقد و بررسی این کتاب، باید به این نکته توجه داشت و این مزیت نسبی را از نظر دور نداشت؛ نکته دوم اینکه در نقد و بررسی یک اثر، باید به ویژگی و وضعیت اثر نیز توجه کرد. کتاب حاضر در واقع، مجموعه‌ای از مقالات است که این امر وضعیت خاصی را برای آن رقم می‌زند؛ بر این اساس، نقد و بررسی این کتاب نیز باید در چارچوب مجموعه مقالات صورت گیرد؛ به همین دلیل، در نقد و بررسی پیش‌رو، از نقد و بررسی تک تک مقالات پرهیز می‌گردد و به مجموعه مقالات در قالب یک کتاب توجه می‌شود.

گرچه نقد و بررسی کتاب حاضر را از دو زاویه کلی شکل و محتوا می‌توان دنبال کرد، با توجه به در هم تنیدگی این دو از تفکیک این دو گونه نقد، در ادامه به مهم‌ترین موارد در قالب سه محور کلی می‌پردازیم:

۲-۱. ویراستاری علمی

یکی از مهم‌ترین ویژگیهای مجموعه مقالات، برخورداری آنها از یک ویراستاری علمی است. بی‌تردید، در مجموعه مقالات علمی، ویراستاری علمی از اهمیت بسیار زیادی برخوردار است. در این گونه آثار معمولاً برای هماهنگ‌سازی مطالب و مقالات احیاناً پراکنده و یا برای جهت‌دهی علمی و تخصصی مقالات، این ویراستاری صورت می‌گیرد. مجموعه مقالات روش‌شناسی در مطالعات سیاسی اسلام نیز برخوردار از

چنین ویراستاری بوده است. نکته مهم و ممتاز در ویراستاری علمی این اثر آن است که ویراستار مجموعه، علاوه بر درج یک مقدمه در آغاز کتاب و معرفی کلی اثر، در آغاز هر بخش نیز در قالب یک درآمد به معرفی مقالات مندرج در آن بخش پرداخته است. با وجود این، می‌توان به چند نکته در باره ویراستاری علمی کتاب اشاره کرد:

اثر حاضر بدون جمع‌بندی کلی و نیز جمع‌بندی پایانی هر بخش است؛ در واقع، به قرینه مقدمه آغازین و درآمد هر بخش، وجود یک جمع‌بندی کلی ناظر به مجموعه مقالات و اشاره به دستاوردهای پژوهشی آنها و نیز جمع‌بندی پایانی بخش به یقین بر غنای نوشتاری آن می‌افزود. نکته دیگر در این باره اینکه ویراستار این اثر، در اقدامی قابل توجه در پایان گزارش کوتاه خود از برخی مقالات و در انتهای درآمد، اشاره‌ای کوتاه به نارساییهای مقاله یا بخش مورد نظر کرده است؛ در حالی که به نظر می‌رسد اولاً نقد مقاله یا بخش، قبل از مطالعه مقاله یا مقالات بخش مناسب نیست؛ به جهت پرهیز از پیش‌داوری، در انتها و پس از درج مقالات سودمندتر می‌نماید و ثانیاً مناسب‌تر این بود که در پایان هر بخش و یا دست‌کم در پایان مجموعه، در مقاله‌ای علمی نقد و بررسی صورت می‌گرفت. در واقع اگر مجموعه مقالات یک بخش از دیدگاه هدفی که در این اثر دنبال می‌شود، و یا مجموعه مقالات اثر در انتها بازخوانی می‌شد، مناسب‌تر به نظر می‌رسد. این جمع‌بندی پایانی علاوه بر نمایاندن دستاوردهای پژوهش، پرسشها و موضوعات نیازمند تحقیق در این حوزه پژوهشی را نیز آشکار می‌کرد و زمینه مساعدی را برای پژوهشهای بعدی فراهم می‌ساخت. البته، درج این مقاله پایانی ممکن است در شرح وظایف ویراستار علمی اثر نگنجد، اما با توجه به مبادرت مختصر وی به این امر در «درآمد» هر بخش، پیشنهاد مذکور می‌تواند قابل توجه به نظر رسد.

۲-۲. سازمان‌دهی

یکی از نشانه‌های موفقیت یک اثر، برخورداری آن از یک نظم و سازماندهی قابل قبول است. اثر موفق از این منظر، اثری است که نخست، برخوردار از یک نظم و سازماندهی باشد؛ دوم، نظم مذکور در راستای هدفی باشد که برای آن تعریف شده است؛ سوم،

بتوان میان اجزاء و ارکان آن تناسب مذکور را مشاهده کرد؛ در واقع در چنین صورتی است که برداشتن یک جزء، آسیب جدی به مجموعه وارد می‌کند.

سازمان‌دهی کتاب «روش‌شناسی در مطالعات سیاسی اسلام» را از دو زاویه می‌توان بررسی کرد: نخست، از زاویه نظم حاکم بر بخشها در مجموع و دوم، از زاویه نظم حاکم بر تک تک بخشها به طور انفرادی. از زاویه نخست، به نظر می‌رسد این کتاب برخوردار از نوعی نظم منطقی است. بخش نخست، به طراحی و تدوین روش برای مطالعات سیاسی اسلام به عنوان هدف اصلی کتاب اختصاص یافته و برای رسیدن به این هدف، در دو بخش بررسی انتقادی از روشهای موجود در دو حوزه مطالعاتی فلسفه و فقه سیاسی گنجانده شده و در انتها به دلیل رواج کاربرد روشهای غربی در مطالعات سیاسی اسلام، یک بخش به بررسی انتقادی چنین کاربردهایی اختصاص داده شده است.

با وجود این، از زاویه نظم درونی بخشها، برخی نارساییها مشاهده می‌شود؛ از این زاویه، به نظر می‌رسد به جز مقالات بخش نخست، مقالات دیگر بخشها ارتباط مستقیمی با هدف و عنوان بخش برقرار نمی‌کنند؛ برای نمونه، در بخش دوم، مقالات دوم، «روش و سیاست در فلسفه اسلامی»، چهارم، «پژوهش و باور» بر خلاف عنوان بخش، به بررسی انتقادی روش در فلسفه و اندیشه سیاسی اسلام نمی‌پردازند و مقاله ششم، «آسیب‌شناسی روشی بومی شدن دانش» نیز خارج از حوزه فلسفه و اندیشه سیاسی اسلام به حساب می‌آید. این مقاله گرچه رویکردی انتقادی دارد، به علوم انسانی به طور کلی مربوط می‌شود و هیچ‌گونه ارجاع مستقیمی به فلسفه سیاسی اسلام ندارد. در بخش سوم، مشکل مذکور جدی‌تر به نظر می‌رسد. در این بخش، تنها مقاله چهارم به بررسی انتقادی از نوع آسیب‌شناسی می‌پردازد؛ از این جهت ارتباط مستقیمی با عنوان بخش «بررسی انتقادی روش در فقه سیاسی» پیدا می‌کند. بقیه مقالات این بخش رویکردی تبیینی دارد و به طور مستقیم با عنوان رابطه برقرار نمی‌کنند. در بخش چهارم نیز این مشکل به گونه‌ای دیگر دیده می‌شود. در این بخش نیز ارتباط مستقیم رویکرد مقالات با عنوان بخش را نمی‌توان مشاهده کرد. در این بخش تمامی مقالات با رویکردی انتقادی به مسئله امکان یا امتناع به کارگیری روشهای غربی در مطالعات

سیاسی اسلام پرداخته‌اند؛ درحالی که در عنوان بخش اصل کاربرد روشها و نه نقد آن آورده شده است.

با توجه به آنچه گذشت، به نظر می‌رسد بتوان مشکل سازمان‌دهی مجموعه مقالاتی از این دست را، در «پسینی» بودن آنها دانست. این گونه سازمان‌دهی، گرچه برخوردار از یک طرح اجمالی «پیشینی» ولو نانوخته هستند، عمدتاً ناظر به مقالاتی هستند که فراهم شده و تلاش می‌کنند آنها را بر اساس یک طرح سازمان‌دهی کند. از این منظر، به نظر می‌رسد سازمان‌دهی مقالات گردآمده در اثر حاضر در سه بخش مناسب‌تر می‌نمود؛ بخش نخست، مقالاتی که به «تبیین» روش‌شناسی مطالعات سیاسی اسلام اختصاص می‌یافت؛ بخش دوم به «نقد» روش‌شناختی روشهای به کارگرفته‌شده در مطالعات سیاسی اسلام می‌پرداخت و در نهایت، در بخش سوم، مقالاتی که به «تدوین» روشهای نو و متناسب با مطالعات سیاسی اسلام پرداخته‌اند، گنجانده می‌شد. این سازمان‌دهی ضمن آنکه ارتباط مستقیم مقالات را با عنوان بخشها فراهم می‌ساخت، با هدف سه‌گانه اثر (تبیین، نقد و تدوین) تناسب بهتری پیدا می‌کرد و در نهایت، برخوردار از نظم منطقی شناخت وضعیت موجود، نقد آن و در نهایت، تلاش برای نوآوری و برطرف کردن مشکلات موجود در حوزه روش‌شناسی مطالعات سیاسی اسلام، می‌گردید.

۲-۳. عنوان‌گذاری

از دیگر ویژگیهای یک اثر علمی موفق، به ویژه مجموعه مقالات، برخورداری آن اثر از عناوین رسا و هماهنگ است. در صورتی که عناوین به کاررفته در نام‌گذاری اثر و بخشهای آن، خالی از ابهام بوده، ارتباطی معنادار با یکدیگر برقرار کنند، به راحتی می‌تواند با مخاطب و خواننده خود نیز ارتباط برقرار کند و به هدف خود نزدیک گردد. درغیراین صورت، ابهامات موجود در عناوین، برقراری ارتباط با خواننده را مشکل می‌سازد.

بی‌تردید، رسایی و هماهنگی عناوین در مجموعه مقالات امری دشوار است و نمی‌توان مجموعه مقالات را با اثری که یک نویسنده آن را تدوین کرده است، مقایسه کرد. هرچند که ویراستاری علمی در مجموعه مقالات چنین هدفی را نیز دنبال می‌کند،

نمی‌توان انتظار داشت که ویراستار علمی عناوین مقالات را یکدست کند. با وجود این، انتظار چنین امری نسبت به عنوان کتاب و عناوین بخشها تا حدودی منطقی به نظر می‌رسد؛ برای نمونه، می‌توان به ابهام موجود در عنوان کتاب اشاره کرد؛ عنوان «روش‌شناسی در مطالعات سیاسی اسلام» عنوانی عام است و دقیقاً نمی‌تواند جهت‌گیری محتوای کتاب را نشان دهد. بدون مراجعه به عناوین مقالات، نمی‌توان فهمید که آیا این کتاب در صدد تبیین روش‌شناسی، یا نقد آن و یا تدوین آن و یا همه این موارد است. نمونه دیگر، ناهماهنگی در کاربرد مطالعات سیاسی اسلام است؛ اولاً تنها در عنوان بخش نخست و چهارم کتاب، هماهنگی با عنوان کتاب مشاهده می‌شود؛ ثانیاً به قرینه تفکیک «اندیشه سیاسی اسلام» از «اندیشه سیاسی در اسلام» که در اثر حاضر نیز بر آن تأکید شده است، می‌بایست در عنوان بخش چهارم، واژه «در» قبل از «اسلام» آورده می‌شد و میان «مطالعات سیاسی اسلام» در بخش نخست با «مطالعات سیاسی در اسلام» در بخش چهارم تفکیک می‌گردید؛ ثالثاً، در صورت پذیرش این تفکیک، تنها عنوان بخش اول با عنوان کتاب هماهنگ می‌نماید. به هر حال، گذشته از اصطلاحات متعددی که در عناوین مقالات همچون «اندیشه سیاسی اسلام»، «اندیشه سیاسی در اسلام»، «اندیشه سیاسی اسلامی»، «اندیشه سیاسی مسلمانان»، «مطالعات سیاسی اسلامی» و... به کاررفته، ناهماهنگی در عناوین بخشها با عنوان کتاب نیز مشهود بوده، نارسایی و ناهماهنگی نسبی را ایجاد کرده است. با توجه به پیشنهادی که نسبت به سازماندهی کتاب ارائه شد، عنوان کتاب و بخشهای آن به قرار زیر پیشنهاد می‌شود:

عنوان کتاب: «روش‌شناسی در مطالعات سیاسی اسلامی» و یا:

درآمدی بر تبیین، نقد و تدوین روش‌شناسی در مطالعات سیاسی اسلامی

عناوین بخشها: ۱. تبیین روش‌شناسی در مطالعات سیاسی اسلامی

۱-۱. فلسفه سیاسی اسلامی

۲-۱. فقه سیاسی

۳-۱. پژوهشهای سیاسی اسلامی

۲. نقد روش‌شناختی مطالعات سیاسی اسلامی

۳. تدوین روش برای مطالعات سیاسی اسلامی

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

با توجه به امکان اتصاف گزاره‌ها و مفاهیم مندرج در متون و منابع اسلامی به اسلام به عنوان یک مکتب و امکان اتصاف برداشتها و نظریه‌های مستند به این متون و منابع توسط اندیشمندان مسلمان به اسلام، تعبیر «مطالعات سیاسی اسلامی» تعبیری مناسب و قابل دفاع به نظر می‌رسد.

در پایان، بار دیگر بر این نکته تأکید می‌شود که کتاب «روش‌شناسی در مطالعات سیاسی اسلام»، یکی از مجموعه مقالاتی است که به وضوح حضور و نقش مؤثر گردآورنده و مدیر و ویراستار علمی آن، پژوهشگر ارجمند جناب آقای دکتر علیخانی را می‌توان مشاهده کرد و نوشتار حاضر اولاً با هدف اطلاع‌رسانی به مخاطبان و خوانندگان و ثانیاً به منظور تقویت چنین آثار ارزشمندی ارائه گردید.

یادداشتها

۱. مشخصات کتاب‌شناختی آن به قرار زیر است:
 علی‌اکبر علیخانی و... (و دیگران)، روش‌شناسی در مطالعات سیاسی اسلام، تهران: دانشگاه امام صادق(ع)، ۱۳۸۶، در ۶۹۵ ص.
۲. نوشته‌ی علی‌اکبر علیخانی، عضو هیئت علمی پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری.
۳. اصغر افتخاری، عضو هیئت علمی و معاون پژوهشی دانشگاه امام صادق(ع).
۴. نوشته‌ی سید محمدرضا طباطبایی، استادیار دانشگاه امام صادق(ع).
۵. نوشته‌ی احمد فرامرز قراملکی، استاد گروه فلسفه و کلام دانشگاه تهران.
۶. به قلم شریف لکزایی، عضو هیئت علمی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
۷. رستم نوچه‌فلاح، مدرس دانشگاه امام صادق(ع).
۸. به قلم محسن رضوانی، مدرس حوزه و دانشگاه.
۹. نوشته‌ی محمد پزشکی، مدرس دانشگاه و پژوهشگر مطالعات سیاسی.
۱۰. نوشته‌ی احمد پاکتچی، عضو هیئت علمی دانشگاه امام صادق(ع).
۱۱. به قلم حاتم قادری، عضو هیئت علمی دانشگاه تربیت مدرس.
۱۲. به قلم علی‌اکبر علیخانی، عضو هیئت علمی پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری.

۱۳. نوشته مرتضی بحرانی، دانشجوی دکتری علوم سیاسی دانشگاه تربیت مدرس.
۱۴. عباسعلی عمید زنجانی، استاد فقه و اندیشه سیاسی اسلام و رئیس دانشگاه تهران.
۱۵. به قلم نجف لکزایی، استادیار گروه علوم سیاسی دانشگاه باقرالعلوم (ع).
۱۶. به قلم منصور میراحمدی، استادیار دانشکده علوم اقتصادی و سیاسی دانشگاه شهید بهشتی.
۱۷. به قلم رضا باقری، پژوهشگر اندیشه سیاسی اسلام.
۱۸. به قلم غلامرضا بهروز لک، استادیار گروه علوم سیاسی دانشگاه باقرالعلوم (ع).
۱۹. بهرام اخوان کاظمی، استادیار دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه شیراز.
۲۰. صادق حقیقت، استادیار گروه علوم سیاسی دانشگاه مفید.
۲۱. نوشته محمدجواد جاوید، عضو هیئت علمی دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران.

